



پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت سالگرد ارتحال علامه طباطبایی رحمة الله علیه

چشمه جوشان دانش، عرفان و تقوای اسلامی

به مناسبت بیست و چهارم آبان ماه

چهل و یکمین سالروز ارتحال حکیم متأله و مفسر کبیر قرآن کریم

ویژه‌نامه‌ای در ۴ صفحه به ضمیمه این شماره «هفته‌نامه افق حوزه»

با همکاری دارالقرآن مرحوم علامه رحمة الله علیه تقدیم خوانندگان ارجمند شده است

و در آینده‌ای نزدیک دفتر دوم ویژه‌نامه «حکیم الهی» چاپ و منتشر می‌گردد.

• هفته‌نامه افق حوزه

• دوشنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۱

• ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴

• ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲

• امام خمینی رحمة الله علیه

فقدان علامه ضایعه‌ای برای حوزه‌های علمیه

امام خمینی رحمة الله علیه درست یک روز بعد از رحلت علامه طباطبایی در جمع خانواده‌های شهدا فرمودند:

من قبلاً باید از این ضایعه‌ای که برای حوزه‌های علمیه و مسلمین حاصل شد. و آن رحلت مرحوم علامه طباطبایی است. اظهار تأسف کنم و به شما و ملت ایران و خصوص حوزه‌های علمیه تسلیت عرض کنم. خداوند ایشان را با خدمتگزاران به اسلام و اولیای اسلام محشور فرماید و به بازماندگان ایشان و به متعلقین و شاگردان ایشان صبر عنایت فرماید.

(صحیفه امام جلد ۱۵ ص ۳۶۳)

• آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای

چشمه جوشان دانش، عرفان و تقوای اسلامی

او مجموعه‌ای از معارف و فرهنگ اسلام بود؛ فقیه بود؛ حکیم بود؛ آگاه از اندوخته‌های فلسفی شرق و غرب بود؛ مفسر قرآن بود؛ از علوم اسلامی، یعنی علومی که از اسلام نشأت گرفته یا از آن تغذیه کرده است، مطلع بود؛ از اصول، از کلام، ادبیات، از نجوم و هیئت و ریاضیات و از برخی علوم بی‌نام و نشان دیگر.

شخصیت او در لایه‌لای این دانستنی‌های بسیار، به کمک ریاضتی مداوم و درازمدت پرورده، صیقل یافته و پرداخته شده بود. از کسانی بود که تنها مکتب جامعی چون اسلام می‌تواند، امثال او را در دامان پربرکت خوش

آنها می‌گویند که «ذات حق» مقامی است که هیچ اسم و رسمی در او راه ندارد؛ اما عموم فلاسفه (قطب‌الدین الشیرازی، شرح حکمة‌الاشراق، ص ۱۹)، به ثبوت صفاتی متفاوت‌المعنی در مرتبه ذات حق اعتقاد دارند و می‌گویند: مقام ذات، خالی از صفات کمالی، مثل علم و قدرت و حیات و ... نیست. در این بین مرحوم علامه طباطبایی رحمة الله علیه در رساله التوحید خود، به دیدگاه عرفا مایل گشته و این دعوی عرفانی را با یک برهان قویم فلسفی تبیین و اثبات می‌کند.

• ۳. روش‌شناسی پاسخ به شبهات در اندیشه و آثار علامه طباطبایی رحمة الله علیه و نگاهی کوتاه به برخی از پاسخ‌های ایشان به شبهات

حجت‌الاسلام والمسلمین امیرعلی حسنلو، مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه
ابعاد خدمات علمی علامه طباطبایی رحمة الله علیه تاکنون به‌درستی و کامل شناخته نشده است که نیازمند تحقیق و بازبینی می‌باشد؛ این فقیه حکیم، در روزگار خود این‌گونه تشخیص داد که برای پاسخگویی به شبهات، از هر ابزار علمی به‌صورت خردمندانه، با روش‌های کاربردی باید پاسخ داد؛ از این‌رو در این عرصه قبل از هرچیز به کارهای بنیانی و اساسی پرداخت: ۱. تولید محتوا با تکیه بر مبانی دینی (قرآن و سنت)؛ ۲. تربیت شاگردان برجسته و آشنا به حکمت و زمان؛ ۳. تقویت بنیه عقلانی دین در سطح نخبگان؛ ۴. برگزاری جلسات تبادل افکار و تضارب آرا با اندیشمندان دیگر؛ ۵. ارتباط با جهان غرب جهت شناخت اساسی افکار و اندیشه‌های جهان غرب (این جنبه از تلاش علامه که بسیار ماهرانه بود، برای شناخت مستقیم منشأ شبهاتی بود که از سوی غرب، به اسلام و باورهای دینی وارد می‌شد).

• ۴. سلامت و بهداشت و پزشکی در تفسیر المیزان
حجت‌الاسلام والمسلمین حسن رضاضایی؛ استاد ثابت

پرورش دهد. چهره معنوی او، سیمای پرصلابت مردی بود که ایمانی استوار و عرفانی راستین را با دانشی گسترده و عمیق توأم ساخته و با آمیزه شگفت وجود خویش، ثابت کرده بود که اسلام می‌تواند سوز درون دل‌سوختگان شیفته را با عقل راسخ فرازگان فرهیخته یک‌جاگرد آورد. او تلاش و جهاد بی‌انتهای و خاموش‌نشدنی خود را هم به این معجون الهی درآمیخته بود. در یکی از حساس‌ترین دوران‌های حیات اسلام و تشیع، جانانه به دفاع از حریم معنویت اسلامی و حکمت و معرفت الهی برخاسته و مفاهیم زیبای اجتماعی اسلام را از آیات کلام الهی استخراج کرده و به عرضه کامل و جامع اسلام پرداخته بود.

او که در سفره متاع ارزنده حوزه علمیه قم، در شمار درخشنده‌ترین گوهرها

بود و به آن مدرسه اسلامی پربرکت ارزش می‌بخشید، تنها به آن حوزه محدود نشده بود و به‌تدریج در همه حوزه‌های علمی و در همه محافل اسلامی و در سطح وسیع جامعه، حضور خود را مجسم‌تر و برجسته‌تر می‌ساخت؛ معارفی که از زبان و قلم او بر صفحه دل‌ها و کاغذها نقش بسته بود، از صدها و هزارها زبان و با صدها و هزارها بیان در همه جا منتشر می‌گشت و به همه کس علم و معرفت می‌آموخت...

...این چشمه جوشان و فیاض دانش و عرفان و تقوای اسلامی، در راه تعلیم و تربیت شاگردانی که هر یک در عالم اسلام دانشمندی برجسته‌اند، توفیقی کم‌مانند داشته است...

پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت سالگرد ارتحال علامه طباطبایی رحمة الله علیه

دفتر دوم ویژه‌نامه «حکیم الهی» به زودی منتشر می‌شود

جامعة‌المصطفی‌ العالمیه
نوشتر پیش رو به دیدگاه علامه طباطبایی رحمة الله علیه در تفسیر المیزان درباره سلامت و بهداشت و پزشکی می‌پردازد. نویسنده با روش توصیفی و تحلیلی و با شیوه تطبیقی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزارها به تنظیم مقاله پرداخته است. نتایج این نوشتار این است که علامه طباطبایی رحمة الله علیه در تفسیر المیزان خود، در ذیل آیات بهداشت و پزشکی (مانند آیات تغذیه، مراحل رشد جنین، غسل و وضو و غسل درمانی، قرآن درمانی و...)، با کمک از علوم پزشکی، به تفسیر آیات پرداخته و در برخی از موارد، ادعای شگفتی و اعجاز نموده است.

• ۵. مقایسه عقلانیت ارتباطی با عقلانیت وحیانی

حجت‌الاسلام والمسلمین کریم خان‌محمدی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم رحمة الله علیه

اهل بیت علیهم‌السلام در «تفسیر قرآن به قرآن» کجاست؟ به عبارت دیگر اهل بیت علیهم‌السلام چه جایگاهی در تفسیر المیزان دارند؟
• ۷. دیدگاه علامه طباطبایی رحمة الله علیه در المیزان پیرامون عرفان و تصوف
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمیدالله رفیعی
علامه طباطبایی رحمة الله علیه مفسر بزرگ قرآن کریم، در این حوزه می‌گوید: «هرچند عرفان از دین اسلام برنخاسته است؛ اما وجود عرفان را در میان پیروان همه ادیان، دلیل بر این گرفته که ریشه در توحید فطری دارد و از این‌رو، دین اسلام سلوک عرفانی را مورد تأیید قرار می‌دهد؛ ولی در عین حال تصوف را به‌گونه‌ای معرفی نموده که از دین اسلام برنخاسته؛ بلکه بزرگان تصوف آن را از خلف خود که در میان پیروان ادیان دیگر وجود داشته، گرفته‌اند». علامه طباطبایی رحمة الله علیه، طریقت، حقیقت و فنا فی الله را که از ارکان تصوف محسوب می‌گردند، مورد خدشه قرار داده و تأویل و باطنی‌گری صوفیان را درباره قرآن مردود می‌شمارد.

• ۸. نگاهی هرنوتیکی به شخصیت علامه طباطبایی رحمة الله علیه در تفسیر المیزان

استاد اصغر طاهرزاده اصفهانی
با توجه به این‌که وظیفه نگاه هرنوتیکی آن است که آنچه را بر روح مؤلف می‌گذرد، تا آن‌جا که ممکن است، مدّ نظر قرار دهد، می‌توان از این زاویه علامه طباطبایی رحمة الله علیه را از نو به سخن آورد.

هرچند در ابتدا آنچه بر روح علامه طباطبایی رحمة الله علیه و تفسیر المیزان می‌گذرد، خود را نشان نمی‌دهد و ممکن است، خواننده تفسیر المیزان، خود را در دفع شبهاتی که در آن تفسیر مطرح شده، محدود کند؛ ولی اگر خواننده بنا داشته باشد، از طریق قرآن در جهانی حاضر شود که بعد از زسناس به ظهور آمده و با توجه به این‌که بشر جدید با معنای خاصی که از خود دارد، در اجتماع حاضر شده، چنین شخصی بهره دیگری از المیزان نصیب خود می‌کند.



آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

خدمات مهم علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ



خدا را شکر می‌کنیم که توفیق داد، بار دیگر سالگرد علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ را برپا داریم. از دست‌اندرکارانی که برای این برنامه زحمت کشیده و می‌کشند، تشکر می‌کنم.

علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ از شخصیت‌های برجسته زمان ما بود و خدمات زیادی به اسلام، مکتب اهل بیت رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ و حوزه‌های علمیه کرد. سه خدمت از خدمات ایشان را که از نظر ما مهم است، ذکر می‌کنم:

• احیای مجالس تفسیر

تفسیر در حوزه‌های علمیه در حاشیه بود. ایشان تفسیر را به متن حوزه‌های علمیه آورد و به آن رسمیت داد. البته «تفسیر نمونه» هم نقش مهمی در این مسئله داشت. ایشان سبب شد، مسئله تفسیر قرآن که از مهم‌ترین مسائل علمی است، در حوزه‌های علمیه رسمیت یابد. به یک معنا قرآن را از غریبی بیرون آورد و این خدمت مهم و بزرگی به تفسیر و به حوزه‌های علمیه بود. دو تألیف در فلسفه اسلامی

بعضی از سمت‌های فلسفه ما برگرفته از فلسفه یونان بود و ناخالصی‌هایی داشت که باعث ایراد بود. می‌گفتند: این با آموزه‌های اسلام نمی‌سازد و فلسفه خواندن حرام است! بعضی از بزرگان اگر کسی درس فلسفه می‌خواند، به او شهریه نمی‌دادند. حق هم با آن‌ها بود؛ چون یک ناخالصی‌هایی در فلسفه آن زمان بود. ایشان ناخالصی‌ها را برداشت و دو کتاب فلسفی برای مبتدین و منتهین نوشت. این دو کتاب فلسفی خالص با آموزه‌های اسلام هماهنگ بود و مشکلی نداشت؛ در این شرایط که اسم فلسفه در حوزه‌های علمیه برده نمی‌شد؛ ایشان این دو کتاب فلسفی را رسمیت داد.

• پاسخ به مادی‌گرایان

طرفداران مادی‌گری به میدان آمده بودند و هجومی شدید به مسائل مذهبی و حوزه‌های علمیه و روحانیون داشتند. فلسفه مادی‌گری کولاک می‌کرد. ایشان برنامه‌ریزی کرد و جلوی آن‌ها ایستاد. کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» به این منظور نوشته شد. متن کتاب از علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ است و حواشی آن، که از متن بیشتر است، از



مرحوم علامه شهید مطهری. این را در مقابل مادی‌ها علم کردند و جواب مکتب‌های مادی را به‌صورت منطقی دادند و دانشگاهیان و فضلا و حوزه‌های ما را از این خطر نجات دادند.

کتاب «فلسوف‌نماها» را هم ما برای همین منظور نوشتیم که آن هم، نقش مؤثری داشت. نوشتن این کتاب از خدماتی بود که واقعاً به آن نیاز بود؛ وگرنه بعضی‌ها تحت تأثیر فلسفه‌های مادی‌گری واقع می‌شدند و خیال می‌کردند، فلسفه مادی‌گری درست است؛ درحالی‌که هیچ سازگاری‌ای با منطق صحیح ندارد و با آموزه‌های اسلام، قرآن و حوزه‌های علمیه مخالفت دارد. کسانی که «اصول فلسفه و روش رئالیسم» را خوانده‌اند، می‌دانند که ایشان و مرحوم علامه شهید مطهری چه زحمتی کشیده‌اند. ایشان این مطالب را تدریس کرد. بعد با چند نفر از فضلا مطرح کرد و به کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» تبدیل کردند. خدایش رحمت کند.

• احیای نام علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ با دارالقرآن

خدمات ایشان فراوان بود. من خیال می‌کردم شاید علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ تدریجاً دارد فراموش می‌شود؛ چون نه فرزند روحانی و عالم داشت که جانشینش شود و نه دامادی داشت که جانشینش شود. بعد دیدم خداوند وسیله‌ای فراهم کرد که خیرین خانه علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ را تبدیل به «دارالقرآن علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ» کردند و از این طریق یاد و آثار ایشان احیا گردید و حجت‌الاسلام والمسلمین عابدی هم، عهده‌دار برنامه‌های آنجاست و آنجا کانونی برای تفسیر حوزه علمیه شده است.

امیدوارم این سرمشق و پیامی باشد که اگر کار برای خدا باشد، خدا آن را بارور می‌کند و نمو می‌دهد. حدیث معروف کوتاهی هست: «مَا كَانَ لِلَّهِ يَتَّمُو»؛ چیزی که برای خدا باشد، نمو (رشد) می‌کند. بنابراین اگر ما برای خدا کار کنیم، خدا ضامن است که آن را نمو بدهد. قرآن مجید دو مثال زیبا در سوره بقره درباره کسانی که اتفاق می‌کنند، دارد. می‌فرماید: مثل آن‌هایی که برای خدا و قصد قربت اتفاق می‌کنند، مثل زمین مرتفعی است که دارای خاک حاصل‌خیزی است که بذری در آن افشاندۀ شود. کار دیگری نشده، فقط بذر افشاندۀ شده است. خداوند باران پررکنی بر این زمینی که بذر دارد، نازل می‌کند و بذرها شروع می‌کند به نمو کردن. بعد باغستان و گلستان می‌شود. شما زمین را فراهم کن و بذرت را بیفشان! ببین خداوند چه می‌کند. درباره آن‌هایی که قصد قربتی ندارند، می‌گوید: اتفاق که می‌کنند، مثل یک زمینی سفت و سختی است که چند سانتی‌متر خاک رویش باشد و بذر بیفشانید. اگر باران بیاید، این خاک‌ها را می‌شوید و می‌برد؛ هم بذر می‌رود و هم خاک‌ها! چرا؟ چون قصد قربت نبوده.

زندگی ایشان نه‌تنها برای طلاب عزیز بلکه برای همه پیام دارد. ان‌شاء‌الله این راه را ادامه بدهند و منتظر عنایات الهی و عنایات امام زمان ارواحنا فداء باشند. بار دیگر تشکر می‌کنم، از دست‌اندرکاران و کسانی که برنامه را چیده‌اند و هرسال تکرار می‌شود.

همه را به خدای بزرگ می‌سپارم. و‌السلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته.

منبع:بخشی از پیام تصویری معظم له



حضرت محمد مصطفی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ تبلور یافت. اکنون باید گفت، علم موجب رشد و پیشرفت و حرفه و صنعت خدمت‌گزار کیفیت حیات دنیوی انسان است؛ اما انسانی که در اوج برخورداری از فنون دقیق و ابزارهای صنعتی هنوز در پی گم شدن یک نام است که گاه آن را در ثروت و قدرت می‌جوید؛ اما هرچه بیشتر می‌جوید، کمتر می‌یابد. رضایت، آرامش و اطمینان باطنی به‌یقین با جریان یافتن محاسن اخلاق و حاکمیت مکارم اخلاق در ابعاد حیات انسانی حاصل خواهد گشت و رهایی از یأس و پوچی و نیل به سعادت ابدی، به‌وسیله آن یافتنی خواهد بود و این، جز در سایه ذکر مداوم حق‌تعالی عملی نیست.

عروج از سطح محاسن اخلاق به اوج مکارم اخلاق، در همه نظام‌های بشری اعم از آموزشی، تربیتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر حوزه‌ها، الگوی ابدی برای انسان است که اختصاص به نبی خاتم رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ دارد. اخلاق الهی، معبر سعادت حقیقی انسان و نیل او به مراتب قرب حق‌تعالی است. همو که غایت حقیقی و مطلوب ذاتی همه ذرات هستی است. از خداوند منان برای روح ملکوتی علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ، علو درجات و برای خدمت‌گزاران، معارف قرآن و اهل‌بیت رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ و پاسبانان اندیشه‌های تابناک علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ توفیق و سعادت روزافزون مسألت می‌کنم.

منبع: پیام به همایش ملی «اخلاق علم و اخلاق حرفه‌ای» در مکتب علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ

• ویژه‌نامه حکیم الهی

سیره علمی و عملی

علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ در مثنوی

علامه حسن‌زاده آملی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ

علامه حسن‌زاده آملی در مثنوی نسبتاً تفصیلی، به ویژگی‌های شخصیتی و سیره عملی استاد خویش، علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ پرداخته است:

صبا! به کوی عزیزان روضه رضوان سلام ما به حضور عزیز ما برسان حضور قدسی قدیس عیسوی‌مشرب که مرده زنده نمودی به حکمت و عرفان حضور فخر امائل جناب علامه حضور صدر افاضل مفسر قرآن حضور نور دل و دیدگان اهل ولا حضور صاحب تفسیر فرد المیزان حضور مالک درج نه‌ایة‌العکمة حضور سالک مجذوب اولیای زمان پیام ما برسانش که ای فرشته خصال!

که ای خجسته فعال و که ای ستوده بیان! «ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا!»

تراست شادی وصل و مرا غم هجران لقای روی توام آن زمان که شد حاصل نموده‌ام به حقیقت زیارت انسان ز امهات و اصول مجالس فیضت رسیده‌ایم به معنی واقع احسان سکوت تو همه فکر و کلام تو همه ذکر بیان تو همه بکرو نوشته‌ات برهان به حکمت نظری صنو بوعلی سینا به حکمت عملی بوسعید و توسیان دراست تو به معیار خواجه و صدرا قداست تو نمودار بودر و سلمان اشارت تو نجات و عبارت تو شفا روایت تو نصوص روایت و قرآن عنایت تو فتوحات فیض عین حیات حکایت تو فیوضات جلوه سبحان ز عقل کل پدری وز نفس کل، مادر سزاست مثل تو فرزند حین یقظان فغان و آه که نشناختیم قدر ترا گرفت از کف ما نعمتی چنین، کفران کنون بسوگ تو بنشسته‌ایم در حسرت

کنون ز دوری تو اوفتاده در حرمان نه من ز هجر تو اندر خروش و افغانم که در خروش و فغانست خطه ایران قیامتی شده بر پا به قم که واهمه گفت مگر که «زلزلت الارض» را رسیده زمان مگر که یونسی اندر دهان ماهی شد مگر که نوح به کشتی نشست در طوفان مگر که مه به محاقش رسید ناهنگام مگر که نیر اعظم به ظل شده است نهان مگر که عرش برین بر زمین فرود آمد و یا جنازه علامه شد به عرش روان صدای ضجه مرد و زن و صغیر و کبیر ز ارتحال چنان عالم عظیم‌الشان قلم شکسته و دل خسته و زبان بسته چگونه وصف تو را مثل من کند عنوان؟ ز درس و بحث و ز تعلیم و تربیت تا هست سخن فیوض الهی ترا رسد هر آن تو جان جان حسن‌زاده کی روی از یاد اگر چه پیکرت از دیدگان شده پنهان!



هفته‌نامه افق حوزه



مدرس عالی تفسیر

و دارالقرآن علامه طباطبائی رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ



سیره علمی علامه طباطبایی

گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین احمد عابدی، مدیر مدرس عالی تفسیر و دارالقرآن علامه طباطبایی ^(رحمۃ‌الله علیه)

فرهنگی بهتری را جایگزین کرد؛ البته الآن هم می‌تواند، همین کار را بکند. راهش همین است که با تفاسیر و تحقیقاتی که در موضوع قرآن است، بیش‌تر آشنا شویم و در این مسیر کام برداریم. بر این اساس، با تبدیل کردن منزل علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه) به دارالقرآن، سعی شد که این مکان محل کاوش، تفسیر و تحقیق در رابطه با علوم قرآنی بشود. درس‌های تفسیر ترتیبی، تفسیر موضوعی و تفسیر تطبیقی در این‌جا تشکیل می‌شود که قدم مبارکی در جهت گسترش فرهنگ قرآن‌پژوهی در حوزه‌های علمیه خواهد بود.

باید طلاب و دانشجویها هرچه بیشتر با معارف قرآن آشنا شوند. هدف دارالقرآن این است که ما را به جایی برساند که ان‌شاءالله از این همه تفاسیر بهره بیشتر ببریم.

با عجله توضیح می‌دهد؛ اما علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه) توضیحات ایشان را کامل می‌کند و هیجگاه روایتی را زیر سؤال نمی‌برد؛ البته ایشان در تفسیر میزان احادیث را ضعیف یا جعلی یا نادرست می‌داند که البته آنها هم، احادیث عاقه بوده است و راجع به احادیث شیعه، چنین نظری نمی‌دهد. همچنین ایشان احادیثی را که به نظر ما درست نیستند، به‌گونه‌ای زیبا، عالی و دقیق توجیه می‌کند. این روش ناشی از فهم دقیق علامه از احادیث است و مشکل بسیاری از افراد که بعضی احادیث را ضعیف یا جعلی می‌دانند تا جایی که آنها را کنار می‌گذارند، ناشی از فهم ضعیفشان در برخورد با احادیث است؛ درحالی‌که بهتر است، در رابطه با ضعیفی که در احادیث می‌بینیم، این ضعف را به خودمان برگردانیم؛ نه اینکه بگوییم؛ احادیث نادرست هستند. این روش علامه در رابطه با احادیث بسیار عالمانه بود که حدیث شیعه را زیر سؤال نینزد و هر حدیثی را به بهترین وجه و مستدل توضیح می‌دادند.

- مبحث اقتصاد در تفسیرالمیزان**

المیزان بحث‌های اقتصادی دارد؛ اما اگر کسی بخواهد، چنین نظراتی را از المیزان استخراج کند، باید دقت داشته باشد که المیزان نزدیک به هفتاد سال پیش نوشته شده است. در زمان نگارش علامه دو مسئله در کشور مصر جایگاه ویژه پیدا کرد که یکی مسئله زن و حقوق زن بود و دیگری مسئله اقتصاد بود و مجله‌ای در این کشور به چاپ می‌رسید که هر شماره آن، یک کتاب قطور است و مشتمل بر یکصد و پنجاه جلد و به‌نام اقتصاد اسلامی و توسط اخوان المسلمین و الأهره به چاپ رسیده است. این مجله به قم می‌آمد و علامه علاقه داشت، آن را مطالعه کند؛ لذا اگر کسی می‌خواهد، راجع به نظریات اقتصادی علامه مطلع بشود، باید به این مجله و نیز مجله المنار مراجعه کند. تمرکز این مجله روی مسئله اقتصاد و بانک بوده است و علامه این مطالب را می‌خوانده و همزمان المیزان را هم می‌نوشته است و ممکن است، اشاراتی به این مسئله داشته باشد؛ البته علامه در تفسیر المیزان به تفسیر المنار هم توجه داشته که نباید تفسیر المنار را با مجله المنار اشتباه گرفت.

- علامه وآیت‌الله‌العظمی میلانی^(رحمۃ‌الله علیه)**

هر کسی از علامه راجع به تقلید از مراجع سؤال می‌کرد، علامه فقط آیت‌الله میلانی را معرفی می‌کرد و خیلی به ایشان علاقه و ارادت داشت و پیش ایشان می‌رفت. در آن زمان آیت‌الله میلانی^(رحمۃ‌الله علیه) بیشتر از دیگر مراجع به مباحث تفسیری وارد می‌شدند. ایشان یک تفسیر قرآنی دارند که به چاپ رسیده است که در آن، مباحث فلسفی را بسیار بیشتر از المیزان مطرح می‌کنند. آیت‌الله میلانی، نسخه این تفسیر را با دست‌خط خودشان به علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه) هدیه کرده‌اند.

- کارهای مورد نیاز برای تفسیرالمیزان**

تفسیر علامه^(رحمۃ‌الله علیه) تأثیر زیادی در جامعه گذاشته و به‌جرات می‌شود گفت، هیچ کتابی در دنیای اسلام این‌قدر تأثیرگذار نبوده است. وقتی المیزان نوشته شد، هیچ دانشگاهی در دانشگاه‌های ایران، رشته علوم قرآن نداشت. درس علوم قرآن یا درس تفسیر هم نبود. فقط یک رشته معقول و منقول یا علوم عقلی و نقلی بود. در حوزه هم همین‌طور. به‌برکت این تفسیر، دانشگاه‌های و دانشکده‌های بسیاری به اسم علوم قرآن، تفسیر، قرآن و اقتصاد، قرآن و سیاست، قرآن و مدیریت و امثال این چیزها پدید آمد. ده‌ها تفسیر بعد از آن نوشته شد که همه مدیون «تفسیرالمیزان» هستند. استادان بسیار خوبی در حوزه و تفسیر و علوم قرآنی تربیت شدند و الآن دارند، خدمت می‌کنند. همه این‌ها از

علامه طباطبایی فارسی را بسیار زیبا می‌نوشتند. سبک نگارشی ایشان با همه شاگردانشان متفاوت است. قلمی را که علامه در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم دارد، نمی‌توانم بگویم اعجاز است؛ اما بسیار بلیغ و فصیح است. در زمینه مسائل علمی هم همین‌طور است. نوشتن مطلب بدون نقل قول بسیار مشکل است؛ به‌عنوان مثال برخی علما هرچه می‌نویند، می‌گویند: فلانی این‌طور گفته و دیگری این‌طور گفته؛ یعنی نقل قول در کلماتشان فراوان است و اگر نقل قول‌ها را از کلماتشان خارج کنیم، چیزی باقی نمی‌ماند؛ اما علامه^(رحمۃ‌الله علیه) این‌طور نبودند. ایشان در سبک نگارش تقریباً مانند محی‌الدین (ابن‌عربی) است. ابن‌عربی نقل قول نمی‌کند و همه مطالب او جوشش فکر است. علامه هم همین‌طور است و وقتی وارد بحثی می‌شود، با اینکه کسی وارد این بحث نشده؛ اما شئون مختلف و فروع متنوعی را مطرح می‌کند که انسان گمان می‌کند، ایشان تمام عمرشان را فقط روی این مطلب فکر کرده‌اند. از این جهت علامه واقعاً بی‌نظیر هستند. اگر سؤالی از ایشان پرسیده می‌شد، به‌قدری سریع پاسخ می‌دادند که گمان می‌کردند، ایشان همین الآن راجع به این مسئله فکر می‌کرده‌اند و اگر شعری را می‌خواندند، قبل و بعد آن و آدرس را می‌گفتند. اگر حدیثی می‌گفتم، می‌گفتند: درستش این است و آدرسش هم فلان جاست. راجع به لغت هم بلافاصله می‌گفتند. فلان کتاب لغت، این لغت را این‌طور معنی کرده است. بنابراین سؤال‌کننده گمان می‌کرد که علامه^(رحمۃ‌الله علیه) همین الآن راجع به این مطلب فکر می‌کرده که توانست، به این سرعت پاسخ بدهد. تراوش فکری و نوآوری در مطالب ایشان بسیار زیاد است. ایشان صاحب ابتکار بودند. مانند بحث ادراکات اعتباری قبل از علامه کسی این بحث را مطرح نکرده بود و برای اولین‌بار علامه وارد بحث ادراکات اعتباری می‌شود و هنوز بالاتر یا مثل این مطلب را‌کسی در فلسفه مطرح نکرده است. ایشان به این وسیله، بحثی را در عمق مطرح کردند و هنوز هم عالی‌ترین حرف در این زمینه، حرف علامه است. این نوعی ابتکار است. یک نوع ابتکار هم این‌طور است که حرف جدیدی زده نمی‌شود؛؛ اما برهان جدیدی آورده می‌شود. ملاحظداً بحث حرکت جوهری را مطرح کرده‌اند؛ اما علامه برهان جدیدی برای آن ارائه می‌دهند. همچنین دفاع از یک نظریه هم، نوعی ابتکار است که علامه اشکالات به نظریات را پاسخ می‌دهند. گاهی ابتکار به‌معنای ترتیب و نظم و انسجام جدید است. علامه در همه آثارشان، به همه این چهار قسم ابتکار دست زده است. المیزان، بدایه و نهایه این‌طور است که هم ترتیب جدید آورده، هم دفاع جدید در برابر اشکالات دارند و هم برهان جدید آورده‌اند و هم اینکه نوآوری داشته و حرف جدیدی ارائه کرده‌اند. در حاشیه کفایه ایشان و همچنین در تفسیر المیزان، موارد بسیاری پیش می‌آید که علامه وقتی به آیات قرآن می‌رسند، می‌گویند: اینجا اصل فقهی است و گاهی نظرانی را بیان می‌کنند که جمع‌آوری آن نیاز به زمان دارد.

- روش علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه) در مواجهه با حدیث**

علامه طباطبایی بر هفت جلد از بحارالانوار حاشیه نوشته است؛ اما باید دانست، ایشان به هیچ روایتی حاشیه زده است؛ بلکه به توضیحات علامه مجلسی^(رحمۃ‌الله علیه) حاشیه زده است؛ یعنی ایشان راجع به ضعف و قوت احادیث صحبت نمی‌کند؛ بلکه اگر علامه مجلسی راجع به حدیثی توضیح می‌دهد، علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه) حاشیه می‌زند و در این حاشیه، به علامه مجلسی اعتراض نمی‌کند؛ بلکه می‌فرماید: توضیحات علامه مجلسی خوب است؛ اما کافی نیست. مانند اینکه علامه مجلسی^(رحمۃ‌الله علیه)

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی‌راد

نقش بی‌بدیل علامه در به‌کارگیری سنت در فهم قرآن



هم دارد.

روایات در المیزان واقعاً قابل مطالعه و قابل تأمل است. عجیب است که ایشان خیلی به این مبنا در تفسیر نپرداختند! استاد شهید مرتضی مطهری^(رحمۃ‌الله علیه) گفتند: «یک قرن باید بگذرد تا معلوم شود در المیزان چه خبر است» و این نکته مهمی است. استاد شهید در جای دیگر گفته‌اند: «من احساس می‌کنم، برای علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه) بعضی از مطالب حالت الهام‌گونه دارد؛ لذا خودش به لوازش هم توجه ندارد. می‌گوید و می‌رود. من آن لوازم را به آن بار می‌کنم.» آن شاگردش که این را از ایشان نقل کرد، گفت که آقای مطهری به ما گفتند: «من هرچه دارم ریشه‌اش در المیزان است.» مصاحبه شاگردشان را در کتاب «جلوه‌های معلم» بخوانید.

- علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه) احیای تفسیر آیه به آیه**

این نیست که فقط بگوییم علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه) یک آیاتی را به سراغ آیات آورده و تفسیر آیه به آیه داشته است. شما «تفسیر مجاهد» را که متوفی ۱۵۰ ق. است، نگاه کنید. آن هم کمابیش دارد. یکی از تفسیرهای قرن پنجم، واحدی نیشابوری است که بسطش قیامتی است از تفسیر آیه به آیه! علامه^(رحمۃ‌الله علیه) فرمودند: «تفسیر آیه به آیه مال اهل بیت^(علیهم‌السلام) است. من فقط آن را احیا کردم». کار علامه^(رحمۃ‌الله علیه) خیلی فراتر از این است که چهار آیه را سراغ یک آیه، یا دو آیه را سراغ یک آیه بیاورند؛ البته در همین جاها هم، علامه گاهی کارهای شگفت‌انگیزی می‌کنند!

من دو آیه را به‌عنوان نمونه عرض می‌کنم.

۱. «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُّؤْمِنًا قُلْ كَفَىٰ بِاللّٰهِ» (رعد/۴۳) این آخرین آیه سوره رعد است. «خواهند گفت که شما مرسل نیستید. ای پیامبر! بگو خدا و آن‌که «من عنده علم‌الکتاب» هست، گواه است». آن بزرگوار یک سخنرانی بسیار عالمانه کردند بر شاهد رسالت! آیت‌الله طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه) مطرح می‌کنند: «من عنده علم‌الکتاب» عندها را بیاورید، به شما یاری می‌کند، الکتاب را بیاورید، یاری می‌کند، ترکیب این‌ها را با هم بیاورید، یاری می‌کند.

نگاه روایی مطالعه کردیم. جایی که علامه^(رحمۃ‌الله علیه) به سند توجه می‌کند، پنج شش مورد بیش‌تر نیست. دلالت برای علامه مهم است. تفسیر دژالمنثور هم از پیامبر^(صلی‌الله علیه و آله) روایت نقل می‌کند. درون‌مایه آن روایت را از پیامبر^(صلی‌الله علیه و آله) با قرآن همسو می‌داند و می‌پذیرد؛ تبییناً، یا تأییداً، یا تأکیداً و الی‌آخر.

روزی به مرحوم آیت‌الله معرفت^(رحمۃ‌الله علیه) عرض کردم: علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه)

در المیزان گفته‌اند که «جمله‌های مستقل –و به‌تعبیر طلبه‌ها یصح السکوت علیها– مفادش هم‌چنان که در سیاق، حجت است، بیرون

سیاق هم حجت است!» آقای معرفت تأمل کردند و گفتند: دقیق می‌گوی؟!

گفتم: بله! به‌مزاح یا جدی گفتند: درست فهمیدی؟! عرض کردم: بله.

این دو‌جا را نشان دادم. آیت‌الله معرفت^(رحمۃ‌الله علیه) خیلی شگفت‌زده شده و گفتند: به یک دانشجو بدھیم، یک رساله دکتری بنویسد، دانشجو ترجیحاً طلبه باشد، او هم ترجیحاً حافظ قرآن باشد.

این‌گونه شد که پایان‌نامه «سایه‌ها و لایه‌های معنایی قرآن» نوشته شد. آن‌جا‌اصل بحث، تنقیح شد. شاید عجیب باشد، علامه وقتی این را گفته، در ادامه‌اش گفته که انگار این سبک تفسیری ائمه^(علیهم‌السلام) است! «و علیه جمع فقیر من‌الروایات». شما جمع فقیر من‌الروایات دیده‌اید؟!

ما تا حالا بیش از چهار روایت این‌چنینی پیدا کردیم که معصوم این‌گونه به آیه استناد کرده است. یکی از حضرت جواد^(علیه‌السلام) است که خیلی عجیب است. یا مثلاً در قصه شورا که علی^(علیه‌السلام) به صبر جمیل استناد کردند که سیاق یک چیز دیگر است. ائمه^(علیهم‌السلام) چهار مورد به ﴿لَا تَقُولُوا بِأَيْدِينَا﴾ (سوره بقره/ ۱۹۵) استناد کردند و به موضوع‌های غیر از آنچه که در سیاق هست، این‌ها به ما نشان داد که این «جمع فقیر» واقعاً جمع فقیر است.

- تفسیرروایت باروایت در تفسیرالمیزان**

علامه آیت‌الله حسن‌زاده املی^(رحمۃ‌الله علیه) زمانی با تأسّف گفتند: «حواشی بحار متوقف شد. علامه قصدشان تدریس بحار بود و آن‌جا هم، روایت را با روایت معنا و مشکّلش را حل می‌کردند. همان‌طور که این‌جا آیه را با آیه معنا می‌کردند.» علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه) در خدمت به روایات تفسیری، در میان مفسران، قطعاً و جزماً بی‌نظیر است. گاهی شما ذیل آیه را نگاه می‌کنید که روایت بسیار مشهور را نیاورده است. آیا علامه^(رحمۃ‌الله علیه) ندیده؟! این‌که در مرئای و منظرش بوده؛ به اعتبار روایت معتقد نبوده. گاهی یک طرف و دو طرف روایت را فقط در همین حد می‌گوید که «فیه نظر». این‌ها را شما و من باید دنبالش برویم و ببینیم، این «فیه نظر»‌ها چیست؟

در جهان اسلام، «فهدین رومی» در «اتجاهات التفسیر فی القرآن فی قرن رابع‌العشر الهجری» وقتی المیزان را مطرح می‌کند و کمی بحث می‌کند، می‌گوید: «وقتی مؤلف المیزان آیه را کنار آیه می‌گذارد و آیه را با آیه می‌تند و از آن مطلب استخراج می‌کند، آدم حجتش می‌گیرد، شگفت‌زده می‌شود که این مطلب را از کجا آورده است؟» او قرآن‌پژوه است و آثار قابل توجّهی

علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه) در پیوند با قرآن، به تفسیر «قرآن به قرآن» شهره است؛ ولی گمان می‌کنم، آن‌چه به آن مشهور است، خیلی عمیق‌تر از چیزی است که ما از آن حرف می‌زنیم و علامه^(رحمۃ‌الله علیه) را به آن می‌ستاییم. این شهرت به صوابی است؛ ولی کمی دقیق‌تر باید در آن اندیشه شود.

شهرت ناصوبی هم، متأسفانه در ذهن برخی افراد وجود دارد و حتی

نوشته‌اند و آن این‌که انگار وقتی ایشان تفسیر قرآن به قرآن گفت و مسیر فهم قرآن را فقط تفسیر قرآن به قرآن قرار داد، نمودبالله نوعی بی‌توجهی به معارف اهل بیت^(علیهم‌السلام) است! یک بحث که فرصت مطرح آن را نداریم، نقش بی‌بدیل سنت در فهم قرآن است. حقاً و انصافاً، از بعضی از موارد قرآن، فهمی که باید بشود، بدون سنت نمی‌شود!

علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه)، به قول امروزی‌ها در سنت، ما را راهبردی هدایت کردند که از آن طریق آیات را بفهمیم و این هم مغفول است! حضرت آیت‌الله جوادی در ذیل آیه ۱۶۵سوره اعراف فرمودند: فتن به‌جای استاد علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه)، و فهم صحیح آیه، در پرتوی توجه ایشان به: «روایات اهل‌بیت^(علیهم‌السلام)» است. روش معظم‌له در تفسیر قرآن این است که نخست در خود آیات دقت و سپس روایات نورانی اهل‌بیت^(علیهم‌السلام) را مطالعه می‌کند و در مقام تفسیر، چشمی به آیه و چشم دیگر به روایت دارد و با دید و عینک روایات، این را معنا می‌کند. از این رو در جای‌جای بحث‌های عمیق قرآنی می‌گوید: این مطلب در بحث روایی خواهد آمد. این نکته حضرت آیت‌الله جوادی املی که شاگرد ایشان است و در المیزان غور نموده، نکته مهمی است.

علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه) دو خدمت بزرگ به سنت کرده که مغفول است: یکی فهماندن و جگونگی تعامل با سنت تفسیری به کسانی بعد از خودشان؛ چه شاگردان، چه ما! اگر کسی فراوان به تفسیرالمیزان مراجعه کند، خواهد دانست که علامه تقریباً یا تحقیقاً بین ۱۸ تا ۱۹ جزء قرآن را تفسیر کرده که روی هم، کل قرآن است؛ ولی همه قرآن قوله قوله نیست. گاهی همین ۳۴ آیه یا هفت هشت آیه را که با هم آورده‌اند، بخش‌هایی تفسیر نشده است. یا فرصت نداشته‌اند، یا به‌وضوح گذاشته‌اند. ازین مطلب می‌گذرم.

اگر کسی در روایات تأمل کند و اشارات علامه^(رحمۃ‌الله علیه) در ذیل تفسیر آیات قرآن به روایات را ببیند، متوجه خواهد شد که چه عظمتی در المیزان نهفته است.

- پیرایش روایات تفسیری**

کسی از فضلا به‌مزاح به من گفت که من می‌گویم: «دژالمنثور» آقای طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه)؛ چون علامه^(رحمۃ‌الله علیه) خیلی از «دژالمنثور» استفاده می‌کند و روایات نبوی را می‌آورد. فکتم می‌مزاح است یا نفهمیده چه خبر است. علامه طباطبایی^(رحمۃ‌الله علیه) به سند، مخصوصاً در تفسیر، توجّهی ندارند. ما رساله‌ای را گذرانیم به‌نام «جایگاه روایت در تفسیر المیزان»؛ برای فهمیدن قسمت‌های فلسفی‌اش با شاگردمان، محضر حجت‌الاسلام والمسلمین عابدی می‌رسیدیم، کلمه به کلمه، بیست جلد المیزان، از اول تا آخر را به